

ارزیابی و نقد مقالات حوزه تصویرسازی ادبی

ساجد زارع*

امین نظری تریزی**، محمد خاقانی اصفهانی***

چکیده

پای‌بندی به اصول نگارش مقالات پژوهشی در نگارش چکیده، مقدمه، روش طرح مسئله، اتخاذ روش تحقیق مناسب، تحلیل و ارزیابی محتوا، و نتیجه‌گیری به مهارت و دقت پژوهش‌گر بسته است. نگارندگان در پژوهش حاضر به نقد و بررسی ساختار شش مقاله چاپ‌شده در مجله *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی* در حوزه فن تصویر و میزان انطباق آن با استانداردهای مقاله‌های علمی - پژوهشی پرداخته‌اند. بررسی استانداردهای مربوط به ساختار مقاله‌های علمی - پژوهشی در مقالات نشان می‌دهد که برخی از مقالات نواقصی هم‌چون کلی بودن عنوان، نگارش غیراصولی چکیده، ناقص بودن مقدمه، ارائه سطحی مبانی نظری پژوهش، فقدان رویکرد مسئله‌محوری و تحلیل انتقادی، دربرداشتن یافته‌های تازه در بخش نتیجه‌گیری، و کلیشه‌ای بودن نتیجه‌ها دارند. از جمله نقاط مثبت تعدادی از مقاله‌ها نیز داشتن مبانی نظری دقیق، اتخاذ روش تحقیق روشن، رویکرد مسئله‌محور، نوآوری در نتایج، و استناد به منابع معتبر است.

کلیدواژه‌ها: مقاله پژوهشی، ساختار مقاله، مجله *انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی*، تصویر ادبی.

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، zare.sajed@yazd.ac.ir

** دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، aminnazari1369@yahoo.com

*** استاد گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه اصفهان، m.khaqani@fgn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۲۸

۱. مقدمه

درکل، مقاله حاصل پژوهش یک یا چند نویسنده است که دستاورد علمی — تحقیقاتی خویش را در اختیار دیگران قرار می‌دهند. این دستاورد علمی به چند بخش تقسیم می‌شود. اولین نوع از آن مقاله علمی — پژوهشی است که به هر تولیدی که به دنبال جست و جوی حقایق و برای کشف بخشی از معارف و نشر آن به قصد حل مشکلی یا بیان اندیشه‌ای در موضوعی از موضوع‌های علمی از طریق مطالعه‌ای نظام‌مند به دست آید و از دو ویژگی اصالت و ابداع برخوردار باشد گفته می‌شود. مخاطبان اصلی این‌گونه مقالات استادان دانشگاه‌ها، پژوهش‌گران، و دانشجویان اند (باوان‌پوری و دیگران ۱۳۹۴: ۱۱۶). موفقیت در انتشار مقاله‌های علمی — پژوهشی علاوه بر بهره‌مندی مؤلف آن از دانش تخصصی درباره موضوع مورد مطالعه و تسلط بر مبانی نگارش، مستلزم آگاهی از قواعدی است که آشنایی با این قواعد از طریق آموزش اصول مقاله‌نویسی و ممارست در امر نگارش حاصل می‌شود (منصوریان ۱۳۸۸: ۶۶). مقاله علمی — پژوهشی «نوشته‌ای، به نثر، نشان‌دهنده نظر نویسنده در موضوعی خاص و محدود، رغبت‌انگیز، با نثری روشن و رسا، شامل ارجاع‌های لازم با ساختاری منسجم شامل مقدمه، متن یا بدنه و نتیجه همراه کتاب‌شناسی مناسب است» (موحد ۱۳۸۷: ۲۰). بر این اساس، بررسی کیفیت شاخص‌های اصلی و مهم ساختار مقاله‌ها (چکیده، بدنه، نتیجه، منابع، و...) از جانب پژوهش‌گران اصلی‌ترین مشخصه‌ای است که در پژوهش حاضر به آن پرداخته شده است. در این جستار، نگارندگان ساختار شش مقاله علمی — پژوهشی چاپ‌شده در مجله *انجمن زبان عربی* را نقد، بررسی، و ارزیابی کرده‌اند. هدف اصلی این پژوهش تبیین کیفیت ساختار این مقاله‌ها از طریق شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها با تأکید بر رعایت استاندارد تعاریف مقاله‌های علمی — پژوهشی به منظور ارتقای سطح علمی پژوهش‌های آینده است. این مقالات در زمینه تصویرسازی ادبی نگاشته شده و به ترتیب سال به قرار جدول ۱ است.

جدول ۱. مقالات چاپ‌شده در زمینه تصویرسازی ادبی

ردیف	مشخصات مقاله‌ها
مقاله ۱	«بررسی تصویر طبیعت در شعر منوچهر دامغانی و ابن‌خفاجه اندلسی» تألیف علی باقر طاهری‌نیا (۱۳۸۴)، ش ۲؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۱۷۴۹_۲۵۱.html >.
مقاله ۲	«شیوه‌های کاربرد طنز در شعر احمد مطر» تألیف یحیی معروف (۱۳۸۷)، ش ۱۰؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۱۳۹۸_۲۳۴.html >.

مقاله ۳	«تصویرپردازی‌های زنده در خطبه‌های نهج‌البلاغه» تألیف مرتضی قائمی و مجید صمدی (۱۳۸۹)، ش ۱۸؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۷۷۲_۱۲۹.html >.
مقاله ۴	«الرمز والاسطورة والصورة الرمزية في ديوان أبي ماضي» تألیف سردار اصلانی و نصرالله شاملی و عسکر علی کرمی (۱۳۹۰)، ش ۲۱؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۱۱۵۴_۲۳۲.html >.
مقاله ۵	«تصویر الشخصية في روايات خولة القزويني» تألیف انسيه خزعلی و سمیه اونق (۱۳۹۱)، ش ۲۳؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۲۸۲۵_۲۳۲.html >.
مقاله ۶	«تصویرپردازی هنری ابرار و جایگاه اخروی آنان در سورة انسان» تألیف زینه عرفت‌پور (۱۳۹۲)، ش ۲۶؛ < http://iaall.iranjournals.ir/article_۳۵۷۹_۵۴۰.html >.

۲. سؤال‌های پژوهش

۱. استانداردهای نگارش مقاله علمی – پژوهشی تا چه میزان با ساختار شش مقاله بررسی شده هم‌خوانی دارد؟
۲. نقاط قوت و ضعف ساختار هریک از مقالات چیست؟

۳. پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهش‌هایی در حیطه نقد تولیدات علمی در رشته زبان عربی در ایران نگاشته شده که از جمله آن‌هاست: ۱. مقاله «تحلیلی گزارش گونه از مقالات چاپ‌شده مجله/انجمن زبان عربی» (میرزایی و دیگران ۱۳۸۷)؛ ۲. مقاله «سنجش تولیدات علمی گروه زبان و ادبیات عربی ایران (مقالات علمی پژوهشی از سال ۱۳۸۲-۱۳۸۶)» (طاهری‌نیا و بخشی ۱۳۸۸)؛ ۳. مقاله «نقدی بر انتخاب موضوع و عنوان مقاله در مجلات علمی - پژوهشی زبان و ادبیات عربی» (صادق عسکری ۱۳۸۹).

هریک از پژوهش‌های فوق به بررسی آماری و کیفی مقالات چاپ‌شده در مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی و تولیدات علمی گروه‌های زبان عربی در سطح کشور پرداخته‌اند. در این جستار نیز نگارندگان ساختار شش مقاله نگاشته‌شده در زمینه تصویرسازی ادبی در رشته زبان و ادبیات عربی را بررسی می‌کنند.

۴. ارزیابی ساختار مقاله‌ها

براساس شیوه‌نامه نگارشی مجله ایرانی زبان و ادبیات هریک از مقالات بررسی شده به ترتیب مشتمل بر بخش‌های عنوان، چکیده، کلیدواژه، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه‌گیری، و منابع است که به هریک جداگانه پرداخته شده است.

۱,۴ عنوان

نخستین مرحله در تدوین مقاله علمی - پژوهشی انتخاب عنوان مناسب برای پژوهش است. عنوان نخستین وسیله‌ای است که نویسنده با آن هویت پژوهش خود را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد. پژوهش‌ها نشان داده است که عنوان در انسجام متن و روشن شدن نکات مبهم آن تأثیر فراوان دارد (ملکی ۱۳۸۴: ۱۸؛ آرمند ۱۳۸۴: ۴۷). در مقاله‌های پژوهشی از مهم‌ترین ویژگی‌های عنوان عبارت‌اند از وضوح، کوتاهی و فشردگی، کلیشه‌ای نبودن، برانگیختن توجه خواننده، و جذاب بودن (فتوحی ۱۳۹۱: ۱۶۲). از آن‌جاکه افراد معمولاً براساس عنوان مقاله به جست‌وجو در بانک‌های اطلاعاتی مقالات می‌پردازند، دقت در انتخاب کلمات در عنوان می‌تواند به بازایی مؤثرتر مقاله از سوی پژوهش‌گران کمک کند. بنابراین، توصیه می‌شود از به‌کاربردن واژگانی که به‌منظور کلیدواژه برگزیده نمی‌شوند پرهیز شود (چهرئی ۱۳۸۶: ۵).

مقالات ۲ و ۶ مشخصه‌های بیان‌شده را دارند. در عنوان مقاله ۱ به‌شیوه بررسی مذکور تصریح نشده است (بررسی تطبیقی؟ بررسی توصیفی؟ یا بررسی مقایسه‌ای؟). عنوان کلی است و برداشت‌های مختلفی از آن می‌شود. هم‌چنین، به‌کاربردن عبارت «بررسی...» ضمن مبهم کردن مقاله باعث طولانی شدن مطرح می‌شود و در بازایی بهتر مقاله نقشی ندارد. عنوان مقاله ۳ بسیار کلی است. در واقع، ذکر خطبه‌های نهج‌البلاغه باعث افزایش وسعت دامنه کار پژوهش‌گران شده است. شایسته بود نویسندگان با انتخاب همین موضوع در چند خطبه برگزیده زمینه را برای کاهش دامنه پژوهش خویش فراهم می‌کردند. عنوان مقاله ۴ واضح است، اما جذابیت ندارد. بهتر بود که نویسنده با انتخاب عنوانی جذاب‌تر هم‌چون «الرمز والأسطورة فی شعراء مدرسة المهجر دیوان أبي ماضي نموذجاً» ذهن خواننده را درگیر می‌کرد و آن را به خواندن و پی‌بردن مسائل جدید مطرح‌شده در مدرسه مهجر ترغیب می‌کرد. مشکل اصلی مقاله ۵ مختصر نبودن عنوان مقاله است. از آن‌جاکه امکان بررسی تصویر شخصیت در دو رمان یک نویسنده در یک مقاله پژوهشی میسر نیست،

شایسته بود نویسنده با محصورکردن کار خویش در یکی از رمان‌های خولۃ القزوینی دامنه پژوهش را محدود می‌کرد تا دچار سطحی‌نگری به موضوع نشود.

۲,۴ چکیده

پس از عنوان چکیده نخستین بخشی است که توجه خوانندگان را به خود جلب می‌کند. کارکرد چکیده آن است که به خواننده در تصمیم‌گیری برای مطالعه متن اصلی یا مطالعه نکردن آن کمک کند. بنابراین، مهم‌ترین موارد مطرح‌شده در متن اصلی را به اختصار در بر می‌گیرد (فتوحی ۱۳۸۵: ۱۲۷). چکیده باید یافته‌های پژوهش را خلاصه ارائه دهد و هرچند کوتاه است، اما باید متضمن نکات اصلی باشد. «چکیده هدف از انجام کار، نتایج به‌دست‌آمده و اهمیت انجام پژوهش را در بر می‌گیرد» (استاپلتون ۱۳۷۲: ۵۱). چهار بخش اصلی چکیده اهداف پژوهش، روش تحقیق، یافته‌های پژوهش، و کاربرد آن است.

مقاله ۱ چکیده هدف و روش تحقیق ندارد. در **مقاله ۲** هدف از پژوهش در چکیده روشن نیست و نویسنده بدون اشاره به روش تحقیق فقط به توصیف و دسته‌بندی انواع شیوه‌های طنزپردازی در شعر احمد مطر پرداخته است. ضمن این‌که در آن به عنصر مهم ضرورت پژوهش اشاره نشده است. چکیده باید به صورت یک بند و به زمان گذشته نوشته شود (ابوالحسنی ۱۳۸۱: ۶۲) در چکیده مقاله مذکور چنین مشاهده‌ای یافت نشد، بلکه چکیده به صورت دو بند مجزا نگاشته شده است. در چکیده **مقاله ۳** نیز بدون این‌که به اهداف پژوهش و روش تحقیق اشاره شود به چگونگی تصویرپردازی در خطبه‌های *نهج البلاغه* به صورت کلی پرداخته شده است. هم‌چنین نویسنده ضرورت پژوهش خود را بیان نکرده است. در **مقاله ۴** با ارائه کلیاتی از شعر ایلیا ابوماضی و وجه تمایز آن از شعر دیگر سخن‌وران عرب در زمینه نماد و اسطوره، زمینه برای تبیین موضوع و اشاره به روش تحقیق و اهداف پژوهش فراهم شده، اما اشاره‌ای به آن نشده است. نویسندگان محترم بدون ذکر اهداف پژوهش و روش تحقیق و ضرورت آن، فقط اسطوره‌ها و تصاویر نمادین به‌کاررفته در شعر ابوماضی را تشریح کرده‌اند. در چکیده باید به مهم‌ترین نتایج تحقیق اشاره‌ای مختصر شود، زیرا چکیده تصویر کلی و فشرده پژوهش است، اما نویسندگان حجم زیادی از چکیده را به ذکر نتایج اختصاص داده‌اند. در **مقاله ۵** روش تحقیق به خوبی تبیین شده و هدف پژوهش در چکیده مشخص است، ولی عنصر ضرورت بحث ذکر نشده

است. در مقاله ۶ نویسنده هدف پژوهش را تصریح کرده، اما روش تحقیق و ضرورت پژوهش مشخص نیست. همچنین، چکیده در سه بند مجزا و به زمان حال نگاشته شده است که از ضعف‌های آن به‌شمار می‌رود. وجه غالب چکیده‌های مقالات بررسی‌شده تصریح‌نشدن اهداف پژوهش، روش پژوهش، و ضرورت تحقیق است.

۳,۴ کلیدواژه‌ها

کلیدواژه‌ها بخشی از چکیده و در واقع همان واژه‌های اصلی و کانونی تحقیق‌اند که باید در عنوان مقاله نیز باشند. در پایان چکیده ۳ تا ۱۰ واژه کلیدی آورده می‌شود. کلیدواژه‌ها باید با واژه‌های اصلی عنوان و مسئله تحقیق و تا حد امکان با عنوان‌های فرعی مقاله تناسب داشته باشند، چنان‌که کتاب‌داران به‌آسانی بتوانند براساس آن‌ها مقاله را نمایه‌سازی و برای فهرست‌نویسی رده‌بندی کنند (فتوحی ۱۳۸۵: ۱۶۹).

در مقاله ۱ یکی از کلیدواژه‌ها واژه «خوداستهزایی» است (ص ۱۲۱). با مطالعه کامل این مقاله می‌توان دریافت که کلمه خوداستهزایی از لحاظ اهمیت هم‌ردیف کلمات دیگر به‌کاربرده شده در مقاله نیست و جنبه کلیدی ندارد. نویسنده می‌توانست از واژه «طنز» به‌جای این کلمه استفاده کند، زیرا طنز از جمله واژگان اساسی این پژوهش است که در عنوان مقاله نیز ذکر شده است. در مقاله ۳ واژه «حرکت» مبهم است (ص ۱۳۱). بهتر بود نویسنده از ترکیب «پویایی تصویر»، که نزدیک‌ترین رابطه معنایی را با محتوای مقاله دارد، استفاده می‌کرد. در مقاله ۴ واژه کلیدی «الحکایات الشعریة» (ص ۱) چندان رابطه معنایی با محتوای مقاله ندارد. شایسته بود نویسندگان از واژه «الحکایات الرمزیة» بهره می‌بردند. در مقاله ۶ نیز دو کلمه شبیه به هم (تصویرپردازی هنری و تصویرپردازی هنری ابرار) آمده است که ذکر یکی از آن دو کافی است (ص ۱۴۳). علاوه‌براین که در کلیدواژه بهتر است از واژگان کوتاه استفاده شود و این عبارت طولانی است. در مقالات ۱ و ۵ کلیدواژه‌ها همگی در راستای عنوان و درون‌مایه کلی پژوهش‌اند.

۴,۴ مقدمه

در مقدمه مقاله نویسنده باید باتوجه‌به نیاز و سطح مخاطبان و ضمن پرهیز از حاشیه‌پردازی مدخلی برای ورود به بحث اصلی باز کند (چهرئی ۱۳۸۶: ۲۳)، زیرا مقدمه دروازه ورود به

بدنه اصلی است و اصل ترغیب مخاطب در آن نقش اساسی دارد. دستور کلی در نوشتن مقدمه این است که آنچه نویسنده در پی اثبات یا توضیح آن است در جمله‌ای که به آن «جمله کلیدی» می‌گویند آورده شود و به تناسب موضوع باید شامل مطالبی درباره تاریخ موضوع، اهمیت موضوع، و تعریف اصطلاحاتی که در بدنه مقاله آمده باشد (چادگانی پور ۱۳۷۳: ۶۶). در یک مقاله پژوهشی مقدمه پاسخ‌گوی چند سؤال است: هدف از پژوهش چیست؟ فرضیه‌های پژوهش کدام‌اند؟ و روش تحقیق در این پژوهش چگونه است؟ بدین منظور بهتر است مقدمه چند بخش داشته باشد:

۱. زمینه پژوهش: با مروری خلاصه بر متون مرتبط و پیش‌رفت‌های منطقی، که پژوهش‌گر را به انجام پژوهش تشویق کرده است، به خواننده امکان ارزیابی پژوهش فعلی با پیشینه تحقیق را بدهد؛

۲. تبیین ضرورت انجام پژوهش: با مطالعه کامل مقاله‌های بررسی‌شده چنین ملاحظه می‌شود که اکثر مقدمه‌ها فاقد بخش‌هایی از قبیل سؤال‌های پژوهش، هدف پژوهش، پیشینه پژوهش، و ضرورت پژوهش‌اند که به موارد ذیل اشاره می‌شود.

مقاله ۱ سؤالات پژوهش ندارد و ضرورت پژوهش و روش تحقیق در مقدمه آن تبیین نشده است. مقدمه باید کوتاه باشد. مطالب بیش از دو صفحه نمایان‌گر طولانی‌بودن نوشتار است و از جمله نقاط ضعف مقاله به‌شمار می‌رود. این مشکل را می‌توان در مقاله ۱ مشاهده کرد، زیرا مقدمه طولانی آن به ۴ صفحه رسیده و این اصل رعایت نشده است (ص ۱۴۴-۱۴۷). از طرف دیگر، در این مقاله حداقل مشخصی میان مقدمه و بدنه اصلی یافت نمی‌شود و این امر موجب درهم‌آمیختگی مباحث با یک‌دیگر شده که بایسته بود هر یک ذیل عنوانی جداگانه آورده شوند. برای مثال، در مقدمه مقاله سخن از موضوعات «تأثیر فرهنگ عربی در شعر منوچهری» (ص ۱۴۵) و «تأثیر محیط طبیعی در شعر» (ص ۱۴۵-۱۴۶) به‌میان آمده و نویسنده در تبیین مطالب به شاهد مثال‌هایی از شعر دو شاعر استناد کرده است، در حالی که مقدمه مقاله پژوهشی، چنان‌که پیش‌ازاین نیز اشاره شد، جایی برای معرفی مسئله تحقیق، پیشینه علمی تحقیق، بیان فرضیه و استدلال، و معرفی روش تحقیق است (فتوحی ۱۳۸۹، ۱۷۰-۱۷۳). در مقاله ۲ سؤالات پژوهش، ضرورت پژوهش، و روش تحقیق در مقدمه تبیین نشده است. هم‌چنین، مقدمه پیشینه تحقیق ندارد. از آن‌جاکه ذکر پیشینه پژوهش پیوند پژوهش حاضر با پژوهش‌های قبلی را نشان می‌دهد و احاطه نویسنده به حوزه موضوع مورد مطالعه را نمایان می‌کند و خواننده را به مطالعه منابع بیش‌تر

رهنمون می‌کند (پریخ و فتاحی ۱۳۸۴)، پرداختن به این مسئله از ارزش علمی این پژوهش کاسته و خواننده را از مزیت‌های پیشینه محروم کرده است. در **مقاله ۳** نویسندگان هدف پژوهش و سؤالات تحقیق را تبیین کرده‌اند، اما به اهمیت پژوهش و روش تحقیق اشاره نکرده‌اند. فرضیه‌های پژوهش روشن و بدون ابهام است، اما به صورت کلی و عام بیان شده‌اند. در واقع، نویسنده با بیان فرضیه «امام علی (ع) برای محسوس جلوه‌دادن مفاهیم موردنظر خود، از ذوق و قریحه هنری و ادبی بسیار بهره برده» به کلی گویی وارد شده است، به طوری که این فرضیه را می‌توان برای هر ادیب دیگری تعمیم داد (ص ۱۳۲-۱۳۳). نکته دیگر در پیشینه مقدمه مقاله مذکور این است که نویسنده به خوبی خواننده را با منابع مرتبط با موضوع تصویرپردازی در *نهج البلاغه* (از قبیل شگفتی‌های *نهج البلاغه*، تحلیل ارکان استعاره‌های پیچیده *نهج البلاغه*، جلوه‌های بلاغت در *نهج البلاغه*) آشنا می‌کند (ص ۱۳۳). اما ضعف نویسنده در شیوه تدوین پیشینه نمایان است، به گونه‌ای که فقط به ذکر نام پژوهش‌ها بسنده کرده و روش توصیفی را اتخاذ کرده است، در حالی که بهترین شیوه در تدوین پیشینه رویکرد تحلیلی - انتقادی است (منصوریان ۱۳۸۸: ۷۱). شایسته بود نویسنده بیان می‌کرد که پژوهش‌گران قبلی چه کاری انجام داده و به چه نتایج دست یافته‌اند. سپس، با بررسی پژوهش تصریح می‌کرد در پی اثبات چه مسئله‌ای است که دیگر نویسندگان بدان پرداخته‌اند. در **مقاله ۴** اهمیت و اهداف پژوهش تبیین شده، اما به روش و سؤال‌های تحقیق اشاره نشده است. رویکرد نویسندگان در پیشینه پژوهش تحلیلی - انتقادی نیست و پیوند موضوع مقاله با سابقه پژوهشی به روشنی ترسیم نشده است، به گونه‌ای که فقط به سه منبع درباره رمز و ایلیا ابوماضی اشاره شده و خواننده با منابع مرتبط با موضوع آشنا نمی‌شود. شایسته بود نویسندگان مهم‌ترین پژوهش‌ها در زمینه رمز و اسطوره در شعر شعرای مهجر و پژوهش‌های دیگر درباره آثار شاعر را بررسی می‌کردند. در **مقاله ۵** اهمیت و اهداف پژوهش تصریح شده، اما به روش تحقیق پرداخته نشده است (هرچند در بخش چکیده اشاره مختصری به روش تحقیق شده است). این مقاله نیز رویکرد تحلیلی انتقادی در پیشینه ندارد و فقط به ذکر اسامی مرتبط با موضوع مقاله اکتفا کرده است. در **مقاله ۶** نویسنده به هدف پژوهش اشاره کرده و از اهمیت پژوهش و روش تحقیق سخنی به میان نیامده است، اما پیشینه پژوهش از احاطه نویسنده بر حوزه موضوع مورد مطالعه پرده برمی‌دارد و رویکرد نویسنده تحلیلی - انتقادی است، به طوری که مهم‌ترین پژوهش‌های سابق (التصویر الفنی فی القرآن، التقابل الجمالی فی القرآن الکریم، الصورة الفنیة فی القرآن

الکریم و...) را در بوطیقای تحلیل و بررسی قرار داده است و این نمایانگر انسجام لازم در منابع مورداستناد در پیشینه پژوهش است که پیوند موضوع مقاله را با پیشینه پژوهشی آن ترسیم می‌کند. از جمله ویژگی‌های مثبت مقدمه مقاله مذکور سلیس و روان بودن مطالب است، به گونه‌ای که خواننده را به ادامه مطالعه ترغیب می‌کند. هم‌چنین، بین حجم مقدمه با سایر بخش‌های مقاله تناسب منطقی برقرار است، به گونه‌ای که حجم آن از یک‌ونیم صفحه تجاوز نکرده است.

۵,۴ بدنه اصلی و مسئله محوری

تبیین دقیق و روشن مسئله‌ای که انگیزه اصلی نگارش مقاله و اجرای طرح پژوهشی موردنظر بوده است، اهمیت ویژه‌ای دارد. موفقیت در چگونگی بیان مسئله به موفقیت مقاله کمک می‌کند و بی‌توجهی به آن نیز رغبت خواننده را در ادامه مطالعه مقاله کاهش خواهد داد. بنابراین، باید مسئله و موضوعی که زمینه‌ساز پژوهش شده است، هم‌راه با حدود، ابعاد، و جوانب آن به‌روشنی و به‌اختصار تبیین شود (موسی‌پور و علوی ۱۳۸۵: ۲۶-۲۹). هرکدام از مقالات موردبررسی در راستای رسیدن به هدف یا اهدافی است و دارای مسئله پژوهش است. اما روش تحقیق و میزان تکیه بر رویکرد مسئله‌محوری در مقالات با یک‌دیگر متفاوت است:

در مقاله ۱ مسئله تحقیق بررسی مقایسه‌ای و تحلیل و مقارنه توصیف‌هایی است که منوچهری دامغانی و ابن‌خفاجه اندلسی از جلوه‌های مختلف طبیعت در دیوان اشعار خود به نمایش گذاشته‌اند (ص ۱۴۳). اما در بدنه اصلی مقاله ملاحظه می‌شود نویسنده بدون این‌که با رویکرد تحلیلی و نقدی به مقایسه سبک دو شاعر پردازد، فقط به ارائه مضامینی مشابه و مشترک از شعر آن دو اکتفا کرده است. مضامینی که مرتبط با تصویرسازی برخی از جلوه‌های طبیعی در دیوان هریک است. از طرف دیگر، فقدان یک مسئله و روش تحقیق ثابت به ناسازگاری برخی از داده‌های موجود در پیکره مقاله منجر شده است. برای مثال، در چکیده چنین آمده که ابن‌خفاجه اندلسی فن وصف را با غزل درهم آمیخته (ص ۱۴۳)، درحالی‌که در هیچ‌جای بدنه اصلی به این موضوع پرداخته نشده است و درنهایت در بخش نتیجه‌گیری گفته شده که هر دو شاعر وصف را با غزل پیوند زده‌اند (ص ۱۵۵). این نقیصه هم‌چنین سبب ظهور نتایجی در بخش نتیجه مقاله شده که در بدنه اصلی نویسنده کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن نکرده است. مثلاً این‌که در نتیجه آمده: ابن‌خفاجه گاهی فخر را

نیز با غزل و وصف درآمیخته (ص ۱۵۵)، ادعایی است که در هیچ‌جای مقاله سخنی از آن به‌میان نیامده است. تمام مطالب مقاله باید درمورد فرضیه و سؤال باشد. توجه به این مسئله نویسندگان را از حاشیه‌رفتن و طرح مباحث اضافی در امان می‌دارد. فرضیه و سؤال‌های تحقیق محورهای پژوهش را مشخص کرده و خواننده را از هدف‌ها و موضوع اصلی آن آگاه می‌کند. از ۶ مقاله موردبحث ۴ مقاله سؤال‌های پژوهش ندارند که موضوع مسئله‌محوری مقاله‌ها را کم‌رنگ کرده است. در مقاله ۲ نویسنده پس از طرح عنوان بلافاصله به اصل موضوع پرداخته است، بدون این‌که به سؤال‌ها، فرضیه‌ها، و هدف‌های پژوهش اشاره شود. در این مقاله امکان مطرح کردن سؤالاتی هم‌چون «الف) شیوه‌های کاربرد طنز در شعر احمد مطر چیست؟ و ب) علت پرداختن این شاعر به این‌گونه اسالیب و شیوه‌ها چیست؟» وجود داشت تا مسئله پژوهش روشن و مشخص شود که نگارنده دقیقاً در پی اثبات یا شرح چه موضوعی بوده است. بیکره اصلی مقاله ۳ فرضیه تحقیق دارد (ص ۱۳۲-۱۳۳). در این مقاله، سؤال‌های پژوهش نیز به‌خوبی تبیین شده و رویکرد مسئله‌محوری کاملاً مشهود است. چنان‌که در مقدمه گفته شده، مسئله اصلی پژوهش این است که «ارکان و عوامل ایجادکننده خیال و الفاظ و ترکیبات به‌کاررفته، چگونه و تا چه اندازه در ایجاد حیات و حرکت در تصاویر ادبی موجود در خطبه‌ها مؤثر بوده است؟» (ص ۱۳۲). در ادامه، می‌بینیم که نویسنده در بخش‌های «رنگ» (ص ۱۴۰-۱۴۴)، «صوت و موسیقی» (ص ۱۴۴-۱۴۶)، «ناسازواری» (ص ۱۴۶-۱۴۸)، و «دقت و ظرافت تصاویر» (ص ۱۴۸-۱۴۹) درمقام پاسخ به سؤالات تحقیق به‌خوبی با تحلیل ارکان سازنده تصاویرها یافته‌های تازه‌ای به نتیجه مقاله افزوده است و فقط نقدی که از این حیث بر مقاله می‌شود این‌که در دو بخش «تشبیه» و «استعاره» (ص ۱۳۸-۱۴۰) در ارائه شاهده‌مثال‌ها رویکرد نویسنده مبتنی بر وصف محض است و عناصری که موجب پویایی و غنای ادبی تشبیهات شده است بررسی نشده‌اند. در بدنه اصلی مقاله ۴ سؤال‌های پژوهش و پیشینه تحقیق بیان شده است (ص ۲-۴)، زیرا در همه بخش‌های این مقاله رگه‌هایی از مسئله‌محوری به‌چشم می‌خورد. چنان‌که در مقدمه آمده، هدف از نگاشتن پژوهش «بررسی و ارزش‌گذاری فنی نماد و تصویرهای نمادین در شعر شاعر» (ص ۲) بوده و نگارندگان در پی رسیدن به این هدف به‌خوبی به تحلیل و نقد داده‌های پژوهش پرداخته‌اند. نقدی که بر این مقاله رواست این‌که گاهی پرداختن به مسائلی خارج از محدوده پژوهش موجب ایجاد انحراف از مسئله موردبحث شده است. مثلاً تمرکز بر چند بیت که در آن برخی از عادات و رسوم زندگی

پیشینیان به تصویر کشیده شده (ص ۷)، فقط به این دلیل که سنت‌گرایی شاعر را اثبات کند موضوعی است که ارتباط مستقیمی با رمز و تصویر رمزی و اسطوره ندارد و خارج از مسئله اصلی است. همچنین، هرچند نگارندگان در عنوان و مقدمه مقاله سخن از «اسطوره» به میان آورده و به درستی آن را از «نماد» تفکیک کرده‌اند، اما در بدنه اصلی به چگونگی اسطوره‌های به‌کاررفته در دیوان شاعر پرداخته نشده است. محور **مقاله ۵** به‌وضوح بر اصل مسئله محوری می‌چرخد، چنان‌که در چکیده آمده:

این پژوهش با تعمق در دو رمان *السيدات والآنسات والبيت الدافیء* سبک پردازش شخصیت‌ها را در آثار خولۀ القزوينی مورد توجه قرار داده و جاذبه و دافعه شخصیت‌های داستان، پیچیدگی یا سادگی و دردست‌رس بودن آن‌ها را با عنایت به شیوه خاص مؤلف مورد بررسی قرار داده است (ص ۲۱).

این مسئله از جمله نقاط قوت مقاله به‌شمار می‌رود، اما نقدی که بر این مقاله وارد است این‌که در بدنه اصلی برای مشخص کردن نوع شخصیت‌های داستان فقط به ارائه تحلیل اکتفا شده و نویسنده به ذکر نمونه و شاهد مثال برای ثابت کردن نظر خود نپرداخته است. برای مثال، در بخش معرفی الشخصیات المسطحة به تحلیل شخصیت‌های «میساء»، «فریده»، «هاشم»، برادرش، و... پرداخته شده، اما برای تأیید سخن شاهد مثالی ذکر نشده است (ص ۲۸). این مسئله باعث کاسته شدن جنبه علمی پژوهش شده است. رویکرد مسئله محوری در **مقاله ۶** (با وجود نداشتن سؤال تحقیق) کاملاً مشهود است. چنان‌که خواننده با مطالعه چکیده و مقدمه به هدف پژوهش و مسئله‌ای که پژوهش‌گر درصدد اثبات آن است پی می‌برد. نویسنده هدف پژوهش خود را «بررسی مهم‌ترین عناصر تصویرپردازی هنری، یعنی مضمون، لفظ، صور خیال، احساس، حرکت، رنگ، و... در جهت درک عمق معانی آیات سوره انسان» (ص ۴۴) قرار داده و به‌خوبی با بهره‌گیری از تمام پارامترهای مذکور روند پژوهش را در راستای اثبات این هدف هم‌گام کرده است. نقدی بر این مقاله رواست و آن این‌که در بدنه اصلی به‌روشنی ملاحظه می‌شود که تحلیل‌های پژوهش‌گر در برخی موارد بسیار کوتاه و غالباً به‌جای تحلیل داده‌های پژوهش به ذکر شاهد مثال‌ها و نمونه‌های طولانی (با تحلیل‌های کوتاه) و ارجاعات پی‌درپی بسنده شده است (ص ۴۸، ۵۹، ۶۰). در مجموع هرچند که در ۴ مورد از ۶ مقاله مورد بررسی اثری از سؤال و فرضیه نیست، اما با بررسی بدنه مقاله‌ها می‌توان چنین استنباط کرد که نگارندگان در پی پاسخ به چه مسئله‌ای و رسیدن به چه هدفی بوده‌اند.

۶,۴ نتیجه‌گیری

نتیجه معمولاً شامل تکرار جمله کلیدی با بیانی متفاوت، خلاصه نکته‌های مهم در تأیید جمله کلیدی و پیش‌بینی‌ها، پیش‌نهادها، و آخرین نظر نویسنده براساس مطالب مقاله است. اگر مقاله کوتاه باشد، نوشتن نتیجه در واقع تکرار مکررات و ملال‌آور است، اما برای مقاله‌های بلند لازم است، زیرا خواننده ممکن است نکته‌های اصلی مقاله را فراموش کرده باشد. نکته دیگر آن‌که نتیجه نباید شامل مطلب تازه‌ای باشد که در مقاله نیامده و به شرح نیاز دارد (موحد ۱۳۸۷: ۶۴). از این رو، یک پژوهش علمی زمانی به نتایج دقیق و مستدل منجر خواهد شد که براساس مبانی نظری دقیق و در راستای پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش باشد.

در مقاله ۱ نتایج پراکنده و بعضاً بدون استناد به داده‌های بررسی‌شده در بدنه پژوهش است. به عبارت دیگر، نتایج غالباً کلی و از قبل پیش‌بینی‌شده است. برای مثال، می‌توان به چند نمونه اشاره کرد: «مصدر تصویرگر و قدرت آفریننده عبارت است از ذوق، موهبت و طبع شاعر که به‌رغم تفاوت سطح از ماهیت و جوهری نسبتاً ثابت برخوردار است» (ص ۱۵۴). چنین نتیجه‌ای با موضوع مقاله ۱ بی‌ارتباط است. از این قبیل، نتایج کلی هم‌چنین می‌توان به این مورد اشاره کرد: «تصویر طبیعت و مظاهر زیبای آن... شناختی از دو ادبیات به‌دست می‌دهد که قابل‌تعمیم نیز خواهد بود» (ص ۱۵۴). پیش‌نهاد می‌شود در چنین پژوهش‌هایی نویسندگان سبک دو یا چند شاعر مورد بحث را با رویکردی نقدی مقایسه و برآیند کلی این مقایسه را با عنوان «نتیجه مقاله» ذکر کنند. در مجموع، نتیجه این مقاله از منظر «پاسخ به سؤال» و «جمع‌آوری تحلیل‌ها» در سطح پایینی است.

در مقاله ۲ نتیجه شبیه به مقدمه‌ای کوتاه و کلیشه‌ای است و نویسنده در آن از ذکر شیوه‌های طنز به‌منزله جمله کلیدی در نتیجه چشم‌پوشی کرده است؛ هرچند با مطالعه کامل پژوهش می‌توان دریافت که اساس مقاله بر شیوه‌های طنز بنا نهاده شده است. هم‌چنین، نه‌فقط به خلاصه نکته‌های مهم مستخرج از بدنه مقاله در بخش نتیجه اشاره نشده، بلکه مواردی ذکر شده است که از لحاظ ارزش و اهمیت نقش آن در پژوهش در مقایسه با دیگر موارد درجه پایین‌تری دارد. برای نمونه می‌توان به این جمله نویسنده در بخش نتیجه اشاره کرد:

۳. بدون شک سخنان ارزش‌مند این شاعر گران‌قدر به مذاق ستم‌کاران عصر ما خوش نیامده است؛ بنابراین از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به او فروگذار نکرده‌اند. به همین سبب، احمد مطر در حال حاضر با گم‌نامی در دیار غربت روزگار خویش را سپری می‌کند (ص ۱۴۳).

روش تحقیق نویسندگان در **مقاله ۳** نقد و تحلیل روش‌ها و عناصر به‌کاررفته در تصویرپردازی‌های خطبه‌های *نهج البلاغه* است. در این مقاله می‌بینیم که «نتیجه‌گیری» به‌خوبی تحلیل‌های انجام‌شده در بدنه پژوهش را در بر می‌گیرد.

در **مقاله ۴** با توجه به این‌که در بدنه اصلی به نقد و تحلیل شاهدمثال‌ها پرداخته شده، نتایج درضمن بدنه اصلی آمده است و نگارندگان در بخش نتیجه‌گیری به گردآوری نتایج این تحلیل‌ها پرداخته‌اند. در ارزیابی این بخش چنین برداشت می‌شود که نتیجه‌گردآمده همه تحلیل‌های اجراشده در بدنه اصلی را پوشش نمی‌دهد. در این بخش نویسنده فقط به یکی از موانع پویایی تصویر نمادین در شعر ابوماضی اشاره کرده که همان فاصله میان روح و روان شاعر و تصویر نمادین است (ص ۱۸). در صورتی‌که این امکان فراهم بود که به دیگر موانع که در بدنه اصلی مقاله به آن پرداخته شده نیز اشاره شود، هم‌چون مقیدشدن به آرایه‌های تصنعی و خشک بلاغی، انحراف‌گرفتن معنای مرسوم نمادین از اصل خویش (ص ۵)، تناسب‌نداشتن تصویر نمادین با سیاق کلام (ص ۶) و توجه یک‌طرفه به ظاهر سخن (ص ۹).

در **مقاله ۵** تاحدی میان تحلیل‌ها و نتیجه تناسب برقرار نیست. به‌عبارت‌دیگر، نویسنده در نتایج به مطالب جدیدی اشاره کرده که در بدنه مقاله تحلیل نشده و اثری از آن نیست، مانند این عبارت «احساس خطری که فکر خوله قزوینی را مشغول می‌کرد او را به ترسیم مستقیم شخصیت‌ها وامی‌دارد» (ص ۴۷) که اثری از این یافته در بدنه اصلی مقاله مشاهده نمی‌شود.

از جمله نقاط مثبت **مقاله ۶** این‌که پژوهش‌گر به ذکر نکته‌های مهم در تأیید جمله کلیدی پرداخته و به تفصیل نتایج مقاله را ذکر کرده است. وضوح و دقیق‌بودن و منطبق‌بودن یافته‌ها با مواد پژوهشی از دیگر جوانب مثبت این مقاله به‌شمار می‌آید.

۵. مبانی نظری پژوهش مقاله‌ها

میزان تبیین مبانی نظری پژوهش در مقالات بررسی شده به‌شکل یک‌سان یافت نشد. ارزیابی نگارندگان از کیفیت مبانی نظری هر یک از مقالات به‌شکل زیر ارائه می‌شود.

در چکیده و مقدمه **مقاله ۱** نویسنده تصریح نکرده است که اساس پژوهش تطبیقی وی مبتنی بر مکتب نقدی فرانسوی است یا آمریکایی؛ یعنی آیا صرف وجود تأثیر و تأثر میان دو شاعر را لازمه انجام این پژوهش تطبیقی می‌داند (مکتب تطبیقی فرانسه) یا چنین شرطی را

لازم نمی‌داند (مکتب تطبیقی آمریکا)؟ هم‌چنین در مقدمه می‌بینیم که از همان ابتدا بدون استناد به تحلیل آماری چنین آمده است که موارد وصف جلوه‌های طبیعت در شعر ابن‌خفاجه از منوچهری بیش‌تر است (ص ۱۴۶). چنین روشی در پژوهش علمی جایی ندارد. در همین بخش، می‌بینیم که برخی از مطالب بدون ارائه پیش‌زمینه نظری ذکر شده‌اند. مثلاً این‌که «سبک دو شاعر در موضوع تصویرگری و ترسیم مشاهدات به نقاشان امپرسیونیست می‌ماند» (ص ۱۴۶)، ابتدا مستلزم ارائه مختصر توضیحی از سبک هنری امپرسیونیسم است تا سخن برای خوانندگان متوسط مقاله گنگ و مبهم نباشد، درحالی‌که این پیش‌زمینه مهیا نشده است. در مقاله ۲ نگارنده از مبانی نظری پژوهش تعاریف ناقصی داشته و بدون ارجاع به یک مستند علمی به تعریف و تشریح مبانی نظری پرداخته است. برای مثال، در برشمردن شیوه‌های طنزپردازی در شعر شاعر به تشریح مفاهیم شیوه‌های طنز در مقاله پرداخته نمی‌شود (جز اندک مواردی که با استناد علمی همراه نیست) (ص ۱۳۷-۱۳۹). نویسندگان در مقاله ۳ زمینه را برای ورود به بدنه اصلی فراهم کرده‌اند. چنان‌که در مقدمه مقاله آمده است: «باتوجه به این‌که امکان استقصا و تحلیل همه شواهد در این مختصر نمی‌گنجد، لذا به بررسی موردی مهم‌ترین عناصر در پویایی و ذکر نمونه از هر کدام پرداخته شده است» (ص ۱۳۲). حال سؤال این‌جاست که این بررسی موردی از چه منظری و با چه رویکردی انجام شده است؛ وصفی یا تحلیلی یا نقدی یا با رویکردی متکامل؟ به عبارت دیگر، بهتر بود مبانی نظری پژوهش به صورت دقیق مشخص شود تا در تحلیل داده‌ها یک رویکرد یک‌سان اتخاذ شود. به علت تبیین‌نشدن دقیق مبانی نظری، روش نویسنده در نقد و تحلیل داده‌ها یک‌سان نیست. برای مثال، در بخش تشبیه (ص ۱۳۹) در ارائه شاهد مثال‌ها به وصف محض اکتفا شده و عناصری که موجب پویایی و غنای ادبی تشبیهات شده بررسی نشده‌اند. بنابراین، رویکرد نویسنده توصیفی است. حال این‌که در صفحات ۱۴۰ تا ۱۴۲ (یعنی در ذیل بخش «رنگ») چنین می‌بینیم که داده‌ها به خوبی دسته‌بندی و تحلیل شده است. در مقاله ۴ نمونه‌هایی از درهم‌آمیختگی مباحث در بخش مبانی نظری ملحوظ است. برای نمونه، نویسنده در صفحه ۱۱ مقاله شاهد مثالی برای تصویر نمادین ذکر کرده (: قصیده «المساء») و به تحلیل آن پرداخته است؛ در توضیح چند بیت از قصیده چنین آمده که در آن «خورشید» نماد (یا رمز) دخترکی است که غم و اندوه زمانه در او جمع شده (ص ۱۱). همین استدلال کافی است که این تصویر نمادین نیست، بلکه حالتی استعاری یا تمثیلی در آن نهفته است، زیرا تمثیل ترجمانی است از یک مفهوم خودآگاه (مثل دخترک) و عقلانی، اما نماد بیان یک مضمون

ناخودآگاه است (فتوحی ۱۳۸۵: ۲۷۲). یعنی اگر چنین برداشت کنیم که شاعر آگاهانه با قصد به تصویرکشیدن شخصیت دخترک از تصویر «خورشید» استفاده کرده، یقیناً در این تصویر خبری از نماد نیست. از این رو، بهتر می‌بود که در بخش ارائه مبانی نظری پژوهش به تفاوت میان تصویر نمادین و تمثیلی پرداخته می‌شد تا بدنه اصلی مقاله به چنین مشکلی دچار نشود. در همین زمینه می‌بینیم که نگارندگان به زعم خود دلایلی بر ناکارآمدی برخی از تصویرهای نمادین در دیوان شاعر برمی‌شمرند که «داشتن یک اندیشه و موضوع خاص یا آگاهانه» یکی از آن دلایل است (ص ۱۳). اگر از همان ابتدا به وجود چنین مرزی میان تصویر تمثیلی و نمادین تصریح می‌شد، دیگر شاهد درهم آمیختگی نماد و تمثیل در تحلیل داده‌ها نبودیم. در مقاله ۵ مبانی نظری پژوهش دقیق و کامل تشریح شده و زمینه ترغیب خواننده برای ادامه خواندن مقاله فراهم شده است. هم‌چنین این مقاله مبتنی بر یک نظریه علمی منسجم زمینه را برای تحلیل داده‌ها فراهم کرده است. قلم نگارنده نیز در تحلیل منطقی و بررسی دقیق مطالب به‌خوبی نمایان است. تحلیل داده‌های پژوهشی و شاهدمثال‌ها در مقاله ۶ بسیار کوتاه است و حجم کثیری از مقاله به ارائه شاهدمثال و ارجاع‌های پی‌درپی اختصاص داده شده است. ارجاع و استناد هرچند در مواردی مثبت و مفید است، اما به‌کارگیری مکرر آن باعث ناپدیدشدن قلم نویسنده در تحقیق خود می‌شود. در صورتی که در این مقاله تکیه بیش‌تری بر رویکرد تحلیلی می‌شد پژوهش رنگ‌وبوی علمی‌تری به خود می‌گرفت. نویسنده در شرح مبانی نظری پژوهش در بخش مقدمه به اشاره‌ای کوتاه به پارامترهای تصویر ادبی اکتفا کرده است که عبارت‌اند از ۱. ایده و مضمون، ۲. واقعیت، ۳. خیال، ۴. احساس، ۵. زبان، و ۶. موسیقی (ص ۴۵). بهتر بود هریک از موارد مذکور ابتدا دقیق تشریح و در صورت امکان دسته‌بندی شود، سپس به تحلیل آیات برمبنای آن پرداخته شود. برای مثال، کاربرد «موسیقی» در ادبیات پهنه وسیعی دارد و موسیقی بیرونی، موسیقی درونی، و موسیقی کناری را شامل می‌شود (شفیعی کدکنی ۱۳۵۸: ۹-۱۱).

۶. نمونه‌هایی از نوآوری در مقاله‌ها

موضوع هریک از شش مقاله مورد بحث جدید و غیرمسیبوق به سابقه است و از این منظر نو و دست‌نخورده به‌شمار می‌آید. از دیگر جنبه‌های نوآوری در مقالات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

در مقاله ۱ به شیوه دو شاعر سخن‌ور به دو زبان و ادبیات متفاوت در توصیف و صورت‌بخشی جلوه‌های طبیعت پرداخته شده و مقایسه ظرایف ادبیات فارسی و عربی در این حوزه در نوع خود یکی از جنبه‌های نوآوری به‌شمار می‌رود. مقاله ۲ می‌تواند خواننده را با یکی از ویژگی‌های بارز شاعران مدرسه واقع‌گرایی (رنالیسم) و شاعرانی که «طنز سیاسی» می‌سرایند آشنا تر و زمینه مناسبی برای درک بهتر متون معاصر برای دانشجویان رشته زبان و ادبیات عربی فراهم کند. در مقاله ۳ به زیبایی به گوشه‌ای از اعجاز سخن امام علی (ع) در نهج‌البلاغه از نظر تصویرسازی هنری پرداخته شده و با هدف شناساندن برخی از جنبه‌های زیبایی‌شناختی و بلاغی این کتاب شایسته است که چنین پژوهش‌هایی در مقاطع گوناگون تحصیلی در سطح آموزش عالی ضمن تدریس درس‌هایی مثل بلاغت، سبک‌شناسی، و نقد ادبی به دانشجویان معرفی شود. مقاله ۴ نیز به کشف تصویرهای نمادین در شعر یکی از نمایندگان مکتب رومانتیسم در شعر عرب پرداخته و برای درک هرچه بیشتر جنبه‌های زیبایی‌شناختی تصویر هنری در متون معاصر (به‌خصوص متون روماتیک) برای دانشجویان مقطع کارشناسی بسیار مفید و کاربردی به نظر می‌رسد. در مقاله ۵ تناسب شکل و مضمون، ظرافت صور خیال، و هماهنگی موسیقایی کلمات در سوره مبارکه انسان به تصویر کشیده شده و نویسنده با اشاره به گوشه‌ای از ظرافت‌های هنری قرآن کریم گامی در جهت تبیین یکی از جنبه‌های اعجاز آن برداشته است.

۷. میزان اعتبار منابع و دقت در استنادات

میزان اعتبار پژوهش علمی تا حد زیادی به منابعی که پژوهش‌گر از آن بهره برده وابسته است. نگارش یک مقاله علمی مستلزم این است که پژوهنده از معتبرترین و به‌روزترین منابع موجود در آن حیطه پژوهشی استفاده کند. هم‌چنین در استناد به منابع و رعایت اصل امانت‌داری دقت لازم را به خرج دهد. منابع استفاده‌شده در نگارش مقاله ۱ اغلب درباره تاریخ ادبیات فارسی و عربی، صور خیال، و آرایه‌های بلاغی می‌چرخد. از جمله می‌توان به «وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان» از ابن‌خلکان و «صور خیال در شعر پارسی» از محمدرضا شفیعی کدکنی اشاره کرد. دیگر منابع نیز همگی معتبر و قابل‌استنادند. این مقاله با وجود این که از منابع زیادی بهره‌نماید (۱۵ منبع)، اما با توجه به اهمیت موضوع از منابع تخصصی درباره تصویر طبیعت در ادبیات و منابع مربوط به بررسی شخصیت و ادبیات منوچهری و ابن‌خفاجه بهره برده است. پس، می‌توان گفت با وجود این که منابع

زیادی ندارد، اما منابع متنوع و معتبری دارد. در مقاله ۲ نویسنده علاوه بر قرآن کریم به ۱۳ منبع استناد کرده که ۸ مورد از این منابع مجموعه اشعار احمد مطر است و از ۵ منبع دیگر نیز ۴ مورد در زمینه تاریخ ادبیات معاصر عربی است و فقط ۲ منبع با عنوان عناصر الإبداع الفنی فی شعر أحمد مطر از احمد غنیمی و مقدمة للشعر العربی از ادونیس در حیطه بررسی عناصر فنی در شعر معاصر عربی است. باتوجه به این که این مقاله در حیطه یکی از شگردهای ادبی به نام «طنز» نگاشته شده بهتر بود که از منابع تخصصی بیش تری در زمینه فکاهی و طنز استفاده شود. «اگر تعداد بسیار اندک منابع، در کنار عدم ارتباط آن‌ها با موضوع، به طور هم‌زمان در یک مقاله جمع شوند، بیان‌گر نقص بزرگ و نابخشودنی یک پژوهش است» (عسکری ۱۳۹۱: ۱۶۰). هم‌چنین، نویسنده محترم در ارجاع‌دهی تقریباً ضعیف عمل کرده است. برای درک بهتر این موضوع به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم: الف) بیش تر منابع مورد استفاده نگارنده زندگی و حوادث اطراف شاعر و دیوان‌های وی است و جنبه علمی و تخصصی ندارد (ص ۱۴۳-۱۴۴). در میان فرهنگ لغت‌های زبان عربی فرهنگ‌های غنی‌تری از المنجد، که نویسنده در تعریف فکاهه از آن استفاده کرده، وجود دارد، اعتبار علمی المنجد در مقایسه با فرهنگ لغت‌هایی مثل المعجم الوسیط پایین تر است؛ ب) در قسمت ارجاع مقالات، نگارنده به منابعی استناد کرده که در بخش مصادر نیامده است؛ مانند المعجم الوسیط که به آن در متن استناد شده، اما در بخش منابع ذکر نشده است. در جای دیگر، دو بیت از شعر صفی‌الدین حلی بدون ارجاع آورده شده است (ص ۱۴۰). ۳۳ منبع در مقاله ۳ استفاده شده که ۱۱ مورد مستقیم و غیرمستقیم به موضوع اصلی مقاله (تصویرسازی ادبی) می‌پردازد که همگی معتبر است و از نقاط قوت پژوهش به‌شمار می‌رود. نویسندگان در استناددهی نیز دقت لازم را داشته‌اند. نگارندگان مقاله ۴ از ۲۱ منبع بهره برده‌اند که آماری قابل قبول است و بیش ترشان درباره رمز و اسطوره و مرتبط با موضوع مقاله است. نویسندگان در کنار استفاده از مشهورترین منابع رمز و اسطوره، از کتب مرتبط با شاعر و ادبیات مهجر نیز استفاده کرده‌اند که بیان‌گر تنوع منابع تحقیق است. مقاله ۵ با این که منابع خیلی زیادی ندارد، اما منابع متنوعی دارد (۱۸ منبع). باتوجه به موضوع از ۱۱ منبع تخصصی درباره رمان و شخصیت‌پردازی، ۲ منبع درباره نویسنده، ۲ منبع مرتبط به ادبیات معاصر، و ۳ منبع راجع به موضوعات لغوی بهره برده است. مقاله ۶ ۲۵ منبع دارد که قابل قبول است و از ۳ منبع فارسی، ۱۸ منبع عربی، ۳ منبع ترجمه‌شده به فارسی، و یک منبع اینترنتی مورد تأیید استفاده کرده است. هم‌چنین میزان ارتباط منابع با موضوع پژوهش با موضوع مورد بحث نزدیک است و مهم‌ترین کتب تفسیری، بلاغی، و

تصویرپردازی را به ما معرفی می‌کند. از جمله معیارهای مهم برای ارزیابی منابع یک پژوهش مراجعه و استناد به مصادر و مراجع منتشرشده به زبان‌های انگلیسی و فرانسه است. برخی از پژوهش‌گران از آن به‌مثابه مزایای تحقیق نام برده و از بی‌اعتنایی به این نوع منابع بر حذر داشته‌اند (طاهری‌نیا و بخشی ۱۳۸۸: ۱۸). بررسی ۶ مقاله حاضر نشان می‌دهد که فقط مقاله ۳ از دو منبع خارجی، مقاله ۴ از یک منبع خارجی، و مقاله ۵ از سه منبع خارجی بهره برده‌اند و منابع خارجی در دیگر مقالات نمودی نداشته است.

۸. میزان روزآمدی داده‌ها و اطلاعات مقاله‌ها

شکی نیست که تمام منابعی که پژوهش‌گر برای کسب اطلاعات موضوع خود به آن‌ها اشاره می‌کند ارزش یکسانی ندارد و از نظر روزآمد بودن منابع، میزان ارتباطشان با موضوع، یا از نظر جایگاه و اعتبار نویسنده با هم متفاوت‌اند (شلیبی ۱۹۷۴: ۳۹). نگارندگان در تدوین این ۶ مقاله از ۵۷ منبع اصلی استفاده کرده‌اند که ۳۱ منبع طی ۳ دهه اخیر نگاشته شده است (از سال ۱۹۹۰م به بعد). افزون بر منابع مورداستناد، باتوجه به این که در حوزه سبک‌شناسی و مسائل ادبی، از جمله فن تصویر، پژوهش‌های نوین بسیاری به چند دهه اخیر برمی‌گردد، بهتر بود برای غنای بیشتر مقالات موردبحث از این منابع نیز بهره برده شود. برخی از این منابع عبارت‌اند از بلاغت تصویر اثر محمود فتوحی چاپ‌شده در سال ۱۳۸۵، تهران: نشر سخن؛ سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها) اثر محمود فتوحی چاپ‌شده در سال ۱۳۹۱، تهران: نشر سخن؛ الصورة الفنية فی المثل القرآنی اثر محمد علی الصغیر چاپ‌شده در سال ۱۹۹۲، بیروت: دار الهادی؛ و کلیات سبک‌شناسی اثر سیروس شمیسا چاپ‌شده در سال ۱۳۹۵، تهران: میترا.

۹. چند توصیه به سردبیران مجله‌ها و پژوهش‌گران جوان

اولین نکته‌ای که شایسته است پژوهش‌گران جوان در نگارش مقاله به آن توجه داشته باشند انتخاب عنوان و موضوع مناسب است که از مهم‌ترین گام‌های پژوهش به‌شمار می‌رود (باوان پوری و دیگران ۱۳۹۴: ۱۱۷). اغلب عنوان‌هایی که پژوهش‌گران انتخاب کرده‌اند محدود نیست و فاقد شاخصه مسئله‌محوری‌اند. پژوهش‌گر باید سعی کند در مقالات خود تا حد امکان دامنه کار پژوهشی خود را محدود کند تا دچار کلی‌گویی نشود و تسلطش بر پژوهش دوچندان شود. نکته دوم که به پژوهش‌گران و داوران محترم توصیه می‌شود بحث

اصالت موضوع است. در ارزیابی مقاله‌های پژوهشی «اصالت موضوع یکی از امتیازهای آن محسوب می‌شود» (مورای ۲۰۰۲: ۵۲) ذیل این مقوله پژوهش‌ها باید بیان‌گر ایده‌های نو یا استنتاج از ایده‌های دیگران از زاویه‌ای نو باشند یا این‌که پژوهش‌گران از تکنیک‌های موجود در زمینه هدفی تازه بهره ببرند و از مرزهای روش‌شناسی رشته خود گذر کنند یا این‌که یک کار اصیل دیگر را ادامه و انتشار دهند. متأسفانه نگارندگان به مقوله مهم چکیده در پژوهش توجه کافی ندارند. هدف از تهیه چکیده فراهم آوردن تصویری کلی درخصوص محتوای مقاله است. کارکرد چکیده آن است که در تصمیم‌گیری برای مطالعه متن اصلی یا مطالعه نکردن آن به خواننده کمک کند. بنابراین، چکیده باید موارد مطرح‌شده در متن اصلی را به اختصار در بر گیرد (فتوحی ۱۳۸۵: ۱۲۷). از این رو، پژوهش‌گران جوان در نگارش این مهم باید در عمل دقت کنند تا تصویر روشنی از محتوای مقاله را ترسیم و خواننده را به مطالعه متن اصلی ترغیب کنند. اغلب پژوهش‌گران از ذکر تمامی ارکان چکیده (بیان مسئله، ضرورت، اهمیت، هدف، روش، و ذکر نتایج) غافل‌اند. این موضوع خود تصویر مبهمی از مقاله را در ذهن خواننده ترسیم می‌کند. افزون‌بر این مسئله، با توجه به این‌که موضوع تصویرسازی فنی یا ادبی از جمله موضوعاتی است که از سال‌ها پیش نگاه صاحب‌نظران سبک‌شناسی ادبیات و بلاغت ادبی را به خود جلب کرده و کتاب‌هایی در تبیین مبانی نظری این مهم نگاشته شده، توصیه می‌شود شرط پذیرش این گونه مقاله‌ها دو فاکتور اساسی باشد. اولاً تکیه بر مبنای نظری و ثانیاً داشتن یک رویکرد نقادانه در تحلیل تصویرها بر اساس سبک‌شناسی مدرن و پرهیز از محدودشدن به قیود تحلیل بلاغی سنتی.

۱۰. نتیجه‌گیری

به منظور نگارش یک مقاله با فاکتورهای علمی و پژوهشی معیارها فراوان است که بررسی ساختارهای مقاله از قبیل عنوان، کلیدواژه، چکیده، مقدمه، بدنه اصلی، مسئله محوری، نتیجه، و بررسی منابع و استنادات یکی از روش‌های مقبول برای نقد مقالات است. با بررسی ۶ مقاله پژوهشی در حوزه تصویرسازی ادبی می‌توان دریافت که مقالات ۱، ۳، ۴، و ۵ در حوزه عنوان نواقصی از قبیل کلی و مبهم بودن، محدود و مشخص نبودن، و فقدان شاخصه جذابیت دارند. بنابراین، نمره قبولی را دریافت نمی‌کنند. در بخش چکیده مقالات ۱، ۲، ۳، ۴، و ۶ فاقد ویژگی‌هایی از قبیل اهمیت و ارزش تحقیق، ضرورت، و روش پژوهش‌اند، فقط مقاله ۵ تاحدزیادی شاخص‌ها و استانداردهای لازم یک چکیده خوب را دارد. در بخش

مقدمه متأسفانه همه مقالات فاقد روش پژوهش‌اند و نگارندگان در مقالات ۱، ۲، ۳، ۵، و ۶ به اهمیت و ضرورت تحقیق هیچ‌گونه اشاره‌ای نداشته‌اند، ضمن این‌که در بخش پیشینه رویکرد ۵ مقاله رویکردی توصیفی است و فقط مقاله ۶ رویکردی تحلیلی - انتقادی در این بخش در پیش گرفته است. مقاله ۲ علاوه بر نداشتن شاخص، بخش پیشینه ندارد. از بین ۶ مقاله بررسی شده، جز مقاله ۳ و ۶ سایر مقالات در بخش نتایج نواقصی دارند که می‌توان به کلی و قابل‌پیش‌بینی بودن، پاسخ‌ندادن به سؤالات و اهداف، کلیشه‌ای و بی‌اهمیت بودن، تناسب‌نداشتن تحلیل‌ها با یافته‌ها، و ناقص بودن و عدم پوشش مسائل مهم اشاره داشت. در بخش ارجاعات و منابع ۵ مقاله از ۶ مقاله حاضر از لحاظ تعداد، تنوع، و نیز ارتباط با موضوع مورد پژوهش نمره قابل‌قبولی را کسب می‌کنند و سطح بالایی دارند. نکته درخور توجه دیگر در این بخش این است که در ۶ مقاله استناد به منابع انگلیسی و فرانسوی بسیار ناچیز است که می‌تواند به جهت اغنای بیش‌تر پژوهش‌ها، استفاده از منابع لاتین معتبر در حوزه مباحثی چون فن تصویر و سبک‌شناسی نیز مورد توجه نویسندگان محترم قرار بگیرد.

کتاب‌نامه

- ابوالحسنی، محسن (۱۳۸۱)، چگونه مقاله علمی بنویسیم و آن را به چاپ برسانیم، تهران: انستیتو پاستور ایران.
- استاپلتون، پل (۱۳۷۲)، نگارش مقالات پژوهشی، ترجمه شعله بیگدلی، تهران: دانشگاه علوم پزشکی ایران.
- آرمند، محمد (۱۳۸۴)، «ملاحظات در نگارش متون درسی»، سخن سمت، ش ۴۵-۵۵.
- باوان پوری، مسعود، فاروق نعمتی، نرگس لرستانی، و حدیثه متولی (۱۳۹۴)، «بررسی و نقد مقالات پژوهشی: (مطالعه موردی: چهار مقاله با موضوع اسطوره)»، مجله مطالعات انتقادی ادبیات، فصل‌نامه دانشگاه گلستان، ش ۶.
- پریرخ، مهری و رحمت‌الله فتاحی (۱۳۸۴)، راهنمای نگارش مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی، تهران: کتاب‌دار.
- چادگان‌پور، مصطفی (۱۳۷۳)، نگارش علمی؛ فنون تهیه مقالات علمی و پایان‌نامه‌های تحصیلی، اصفهان: دانشگاه علوم پزشکی اصفهان.
- چهرئی، علی (۱۳۸۶)، اصول پایه نگارش مقالات علوم پزشکی، تهران: پژوهاک علم آریا.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸)، موسیقی شعر، تهران: نشر توس.

- شلبی، أحمد (۱۹۷۴م)، *كيف تكب بحثاً أو رسالته؛ الطلعة الثامنة، القاهرة: مكتبة النهضة المصرية*.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۵)، *بلاغت تصویر، ج ۱، تهران: سخن*.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱)، *آیین نگارش مقاله علمی - پژوهشی، ج ۹، تهران: سخن*.
- ملکی، حسن (۱۳۷۴)، «نظریه‌ها و تجربه‌ها: شیوه طراحی و تألیف کتاب درسی»، *سخن سمت*، ش ۱۵.
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۸)، «صد ویژگی یک مقاله علمی پژوهشی خوب»، *ماهنامه تخصصی کتاب ماه: کلیات اطلاعات، ارتباطات و دانش‌شناسی، تهران: خانه کتاب*، ش ۱۴۵.
- موحد، ضیاء (۱۳۸۷)، *رساله‌ای در مقاله‌نویسی، تهران: نیلوفر*.
- موسی‌پور، نعمت‌الله و سیدحمیدرضا علوی (۱۳۸۵)، *نگارش علمی: راهنمای تدوین و نگارش مقاله، پایان‌نامه، رساله و گزارش پژوهش، کرمان: دانشگاه شهید باهنر کرمان*.
- میرزایی، فرامرز، خلیل پروینی، و علی سلیمی (۱۳۸۷)، «تحلیلی گزارش گونه از مقالات چاپ‌شده مجله *انجمن زبان عربی*»، *مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی، دوره ۴، ش ۱۰*.

